

دو نامه به زبان ترکی از طرف پادشاهان ایران

فکته لایوش^۱ / ترجمه علی ابوالقاسمی^۲

اشاره مترجم

مقاله حاضر با عنوان اصلی *Iran şahlarının iki Türkçe mektubu*^۳ توسط مرحوم فکته لایوش مجاری (۱۹۶۹-۱۸۹۱ م). در صفحات ۲۶۹ الی ۲۷۷، مجلد پنجم مجله ترکیات مجموعه سی سال ۱۹۳۶ م چاپ گردیده است. فکته لایوش در سال ۱۸۹۱ م در مجارستان بدنیا آمد، بعد از اسارت در جنگ جهانی اول توسط روسیه و در زندان‌های سبیری زبان ترکی را از اسرای ترک فراگرفت. بعد از آزادی وارد حوزه مطالعاتی تاریخی بویژه عثمانی و تورکولوژی شد. مدتی بعد به دعوت ترکیه به استانبول رفته و به بررسی اسناد عثمانی در آرشیوها و کتابخانه‌های ترکیه پرداخت. کتاب‌هایی چون مجارستان در دوران تسلط ترکیه عثمانی، اسناد و مکتوبات ترکی در آرشیوهای مجارستان، تصحیح و چاپ دفاتر تحریر مرتبط با مجارستان دوران عثمانی و ده‌ها مقاله از جمله مقاله حاضر حاصل کارهای پژوهشی او در ترکیه است. فکته لایوش در مقاله حاضر به بررسی و تشریح دو نامه به زبان ترکی در عصر صفوی پرداخته است. این دو نامه توسط دو تن از پادشاهان صفویه یعنی شاه صفی و شاه سلطان حسین به ترتیب به پادشاهان اتریش و لهستان ارسال شده است. او در این مقاله ضمن اعتراف به تأثیر فرهنگ و زبان فارسی بر زبان ترکی و تشکیلات عثمانی، وجود این دو نامه به زبان ترکی را ناشی از نفوذ تدریجی زبان و فرهنگ ترکی بر زبان فارسی و ایران می‌داند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. مورخ و پژوهشگر عثمانی

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان aliabolghasemi@gmail.com

۳. *Iran şahlarının iki Türkçe mektubu*, TM, V-(1936), 269-277.



دو نامه به زبان ترکی از طرف پادشاهان ایران

در میان اسناد ترکی نگهداری شده در آرشیو وین اتریش و شهر درسدن در ایالت ساکسون آلمان نامه‌هایی ترکی از طرف پادشاهان ایران نیز موجود است. از آنجا که این نامه‌ها از طرف پادشاهان ایران به زبان ترکی نوشته شده، ارزش پرداختن بدان در این مجله را دارد. ارسال کننده نامه نگه داری شده در آرشیو وین^۱ شاه صفی اول (۱۶۴۲-۱۶۲۸). پادشاه ایران و دریافت کننده نامه نیز فردیناند دوم (۱۶۳۷-۱۶۱۹). امپراتور اتریش و پادشاه مجارستان است. شاه صفی در نامه براساس اسلوب نگارش آن زمان و با زبانی بسیار مطمئن، بعد از اظهار کلمات ادیبانه و نزاکتانه به تخت نشستن خود بر تخت سلطنت و خواستش را برای ادامه روابط دوستانه و مسالمت آمیز با فردیناند دوم پادشاه مجارستان و امپراتور اتریش اعلام کرده و اظهار امیدواری می‌کند که فردیناند دوم نیز سیاستی مشابه در پیش گیرد. این نوع نامه‌ها، نامه‌های فرمالیته‌ای هستند که بر طبق عرف پادشاهان به هنگام برتخت نشستن پادشاهان نوشته می‌شد. علی‌رغم نوشته نشدن تاریخ نامه اما می‌توان از طریق مندرجات آن از جمله اشاره به برتخت سلطنت نشستن و تاریخ روی مهر بدان پی برد. باتوجه به این مسائل تاریخ کتابت نامه محفوظ در وین سال ۱۶۳۰ می‌باشد.

نامه محفوظ در آرشیو ساکسون^۲ متعلق به شاه سلطان حسین (۱۷۲۲-۱۶۹۴). است. دریافت کننده نامه نیز دوک ساکسون و پادشاه لهستان فردریک آگوست است. فردریک اوگوست (۱۷۳۳-۱۶۹۴) که در تاریخ ترکیه بانام نعل شکن معروف است هنگامی که دوک ساکسون بود مدعی پادشاهی لهستان گردید. علی‌رغم اکثریت کاتولیک لهستان وابستگی خاندان ساکسونی به مذهب پروتستان، باعث ایجاد اختلافات داخلی و در نتیجه با دخالت کشورهای همسایه منجر به شکل‌گیری جنگ‌های خارجی گردید. نعل شکن در سال ۱۶۹۷ ق در ورشو تاج پادشاهی لهستان را بر سر گذاشت. اما اتحاد لهستان با ساکسونی تحت یک پادشاه واحد به مانند هر کشور همسایه مورد خوشایند دولت ترکیه قرار نگرفت. با این اوصاف نعلشکن خود را در مقابل حملات عثمانی دید. فردریک آگوست برای دفع خطر و یافتن چاره‌ای برای مقابله با حملات ترکیه، درصدد اتحاد با همسایه شرقی ترکیه یعنی صفویه برای ایجاد آشوب در مرزهای شرقی ترکیه برآمد. لذا بدین منظور سفیر خود یعقوب نورگیوس نامی را به ایران گسیل کرد. شاه سلطان حسین صفوی پادشاه وقت ایران در آن وقت در وضعیت مشابه با نعل شکن به سر می‌برد. سلطنت ۲۸ ساله شاه سلطان حسین (۱۷۲۲-۱۶۹۴). دوره‌ای آشفته به مانند آنچه که نعلگیر و لهستان با آن مواجه بودند را بوجود آورده بود. در این وضعیت که شاه سلطان حسین توان مقابله با عثمانی را نداشت سفیر لهستان را بدون هیچ قول همکاری و تنها با یک نامه معمولی بازگرداند.

شاه سلطان حسین صفوی در این نامه بسیار مطمئن بعد از اظهار سلام و خوشحالی بابت خبر وصول سفیر از دادن هرگونه قول و وعید برای همکاری با لهستان، اجتناب می‌کند. گفتنی است نامه شاه سلطان حسین بیشتر یک نامه دوستانه و فرمالیته است و مطلب خاصی که واجد اهمیت تاریخی برای ما باشد را دارا نیست. این نامه اگر دارای ارزش بیشتری

^۱. Haus -, Hof - Und Staatsarchiv, Turcia, Urkunden cca. 1630.

^۲. در آرشیو درسدن در حدود سی نامه به زبان ترکی نگه داری می‌شود یکی از آنها همین نامه اشاره شده در این مقاله است

باشد بخاطر متن نامه نیست بلکه به مانند موضوع نامه شاه صفی از جهت نوشتن نامه به زبان ترکی، تاریخچه زبان ترکی، کتابت ترکی و دیپلوماسی زبان ترکی است. همچنین در هر دو نامه مذکور در کنار متن ترکی نامه، گرامر آن نیز قابل اشاره است بطوریکه در نامه شاه صفی کم و بیش تأثیر زبان محاوره‌ای در نامه را می‌بینیم. برای اثبات آن یادآوری چند عبارت مناسب است؛ پادشاه والا جاه ایلن، نامه لر ایلن، بابام، بجای آکا بناء کلمه اونکا بناء و بجای اونک کلمه اوشک قید شده است.

همچنین در این نامه ها تأثیر نفوذ ایران را شاهد هستیم. همانطور که مشخص است ادبیات عثمانی تحت تأثیر فرهنگی ایران شکل گرفت و آثار مکتوب در عثمانی مملو از نشانه‌های تأثیر ایرانی است. در واقع نوشتار ترکی خالص با روش اصیل ترکی هیچ وقت در عثمانی نیز شکل نگرفت. به همین خاطر نباید در مکتوبات پادشاهان به دنبال یک متن ترکی خالص باشیم.

اگر به ساختار کلی این نامه ها نگاهی بیاندازیم آن‌ها را بسیار مشوش می‌بینیم. اگرچه سلاطین عثمانی نیز در نامه‌های رسمی به خصوص در فتح نامه‌هایی ارسالی به حاکمان کشورهای همسایه از یک سبک پرطمطراق استفاده می‌کردند اما ساختار کلی در چنین نامه‌هایی روشن و واضح بوده است. آن‌ها در نامه‌هایی که ارزش کمتری داشتند به مانند اسناد عادی با یک زبان ساده نوشته می‌شده است. نثر متکلف نامه‌های ترکی پادشاهان صفوی، عبارت پردازی های پرطمطراق و در عین حال اطناب و تطویل جملات به مانند منشآت و مراسلات ایرانی آن‌ها را غیر قابل فهم می‌کند. بغیر از این، به لحاظ اسلوب و فرم این نامه ها تفاوت‌هایی با مکتوبات ترکی سلاطین عثمانی داراست از جمله کاغذ نامه ارسالی شاه سلطان حسین برعکس نامه‌های ارسالی پادشاهان عثمانی به دولتمردان اروپایی بسیار کوچک و حقیرانه است. همچنین بعضی از قسمت‌های نامه ها برخلاف سنت رایج در عثمانی با طلا نوشته شده‌اند.

تفاوت چشمگیر دیگر در هر دو نامه نگارش نامه به خط نعلیق است خطی که اصلاً در مکتوبات عثمانی بکار گرفته نمی‌شد. همچنین در مکتوبات ترکی پادشاهان صفوی برخلاف مکتوبات عثمانی نامه ها تاریخ ندارند. برای یافتن تاریخ نامه مهر و طمغای زده شده بر پشت نامه (برخلاف سنت عثمانی) به شما کمک می‌کنند. و در آخر قرار دادن نامه ها داخل کیسه که یک عرف و سنت رایج در ایران بوده و هست. کیسه سنگینی که نامه شاه سلطان حسین با آن ارسال شده هم اکنون در کنار نامه اصلی موجود است. دهانه کیسه با یک مهر و موم بسته شده و روی مهر این جمله نوشته شده است "بنده الله سلطان حسین".

تأثیر تمدن ایرانی بر روی حیات معنوی کشورهای همجوار مسلمان و هم بر روی اسلوب و کتابت در عثمانی بوضوح قابل مشاهده است. اگرچه از طرف ایرانیان به شایستگی تأثیر فرهنگ ایرانی بر عثمانی مورد بررسی قرار نگرفته اما وجود آن به طور کلی پذیرفته شده است. اما ارسال نامه‌های ترکی توسط پادشاهان ایران عکس این قضیه را نشان داده و نشانگر نفوذ فرهنگ ترکی بر تمدن ایرانی است. این نامه ها از نظر ترک‌گرایی نیز منبع بسیار مهم و دارای ارزش بسیار بالا است. این نامه‌های ترکی شاهان صفوی گواه بر آن است که زبان ترکی زبان ارتباطی میان ایرانیان و زبان دیپلماسی بوده است.



اگرچه در این زمینه ما فعلاً همین دو نامه ترکی را در دست داریم اما نفوذ زبان ترکی تنها به این دو نامه محدود نشده بلکه رفته رفته تأثیر بسیاری در ایران گذاشته و قدرت بیشتری پیدا کرده است. نباید فراموش کنیم که بین تاریخ نگارش نامه شاه سلطان حسین و تأسیس بالفعل خاندان قاجار در ایران (۱۷۲۱)، تنها چند سال فاصله است. برتخت نشستن یک خاندان ترک در ایران و ریشه دواندن در یک کشور بیگانه امری اتفاقی نیست، بلکه حاصل تأثیر و نفوذ قبلی فرهنگ ترکی است که توانست محقق شود. شواهد این نفوذ را نامه‌های ترکی پادشاهان به ما داده‌اند. متن نامه‌ها در ادامه ذکر شده است.

متن نامه ترکی ارسالی شاه صفی به فردیناند دوم

معزالدوله و العظمه و الاقبال "چازار پادشاه حضرتلرینه

عالیجناب والانصاب، متعالی ایاب سلطنت و جلالت انتساب، شوکت و عظمت قباب محبت و مودت اطوار، خسرو رفیع قدر عالی تبار، معدلت دیارینک آراینده سی و فرمانروالیق ممالکنک زینده سی، پادشاهلارنک شهریار سی، نامدارلارینک نامدار سی، نمسه ولایتنک پادشاهی، فرنگیه طایفه سینک سرور خورشید کلاهی.

تحریر و بیانان افزون مراتب محبت و دوستلق و تقریر لساندن برون مراسم اتحاد و آشنالق القاء و اظهاردن صنکرا، مرفوع رأی خورشید ضیاء و مشهود ضمیر منیر قمر اعتلاء اولدور کیم، همیشه آباء و اجداد عظام جنت مکانیمیز و طبقه مسیحیه^۱ پادشاه لرک مابیننده، خصوص اول پادشاه و الاجاه ایلن، طریقه محبت و دوستلق و رابطه الفت و یکانلق مرعی و مسلوک و ابواب خصوصیت و آشنالق مفتوح اولوب، طرفیندن سخندان انلیچیلر محبت انگیز نامه لر ایلن متواتر آمد و شد ایدرلر ایدی.

شیمدی کی مقتضاء قضاء و تقدیرات آسمانیدن، جنت مکان فردوس آشیان بابام علیه الرحه حضرتلرینک واقعه حایله سی سانح اولوب، بو جهان فانیدن سرای باقیه ارتحال ایتدی، توفیقات الاهدن^۲ سریر فلک رفعت شاه سی و اورنگ گردون رتبت شهنشاهی، ذات معدلت صفت همایونوم ایله زیب و زینت بولوب، ساحت ایران زمین، که خلاصه عرصه عالم و تختگاه کیان و جم در، نسیم اقبالیم ایله نزهت و طراوت بولدو، همان قاعده بلکه آندان زیاده اول حضرت رفیع منزلت ایلنن طریقه محبت و دوستلق و اتحاد و یکانلق منظور قیلیب، مقتضای رأفت جبلی، سیزدن همواره قرارداد خاطر عاطر و مکنون ضمیر منیر صداقت مآثریمیز اولدور کیم، بو سلسله علیه نک دوستلاری و خیرخواهلاری ایلن الفت و اتحاد مقامیندا اولوب، مابینیمیزده رسم خصوصیت مرعی و طریق مغایرت مسلوب اوله.

اونا بناء اظهار دوستلق و بادی آشنالق ایچون بو نامه محبت نشان جانب عالیلرینه مرقوم قلم اتحاد اولدی. "بحمدالله^۳ و المنه" احوال خیر مآلیمز احباء و دوستلر و بو دودمان عالیشانک نیکخواهلاری مقصد و مدعاسینجه خیر و خوبلق ایله گذران در و اصلاً بیر امر که ذره قدرینجه موجب اکراه خاطر اولیای دولتتمز اوله واقع دکلدلر.

۱. کلمه مسیحیه با طلا نوشته شده است.

۲. کلمه الهی با طلا نوشته شده است.

۳. کلمه الله با طلا نوشته شده است.

ترصد و ترقب مکارم عالی‌رندن اولدور کیم، اول طرفدن داخی جنت مکان فردوس آشیان بابام زمان شریفیندن زیاده، طریقه محبت مسلوک اولوب، صداقت نشان مکتوبلر و "فصیح البیان" اتلچیلر ارسالیندن خالی اولمویوب، همیشه محرک سلسله و داد و فاتح ابواب اتحاد اوله لر و هر گونه رجوعلاری بو دیارده وار ایسه، یکانلق اوزریندن اعلام آدلر، که توجه همایونمز اونک حصولنه مبدول اوله و اصلاً مغایرت و بیکانلق تجویز ایتیمه لر.

چون غرض اظهار محبت و دوستلق ایدی، زیاده اظناط اولندی. سلطنت و کامرانلق ایامی منهج رضاء سبحانی بیرله مقرون و عاقبتلری خیره مشحون اوله {۱}

در وسط پشت نامه مهر شاه صفی زده شده است. مهر شبیه به مهرهای شاهان ایرانی است. قطرش حدوداً شش سانتیمتر است. در وسط مهر یک دایره بزرگ است که جمله " هست از خان غلام شاه صفی ۱۰۳۸" معلوم است. در اطراف این دایره نیز این رباعی نوشته شده است.

با علی جانب هر که نه نکوست هر که گو باش، ندارم من دوست

هر که چون خاک نیست بر در او گر فرشته است خاک بر سر او

و در بالای مهر که بصورت قبه مانندی است جمله حسبی الله نوشته شده است.

متن نامه ترکی ارسال شاه سلطان حسین به فردریک آگوست نعل شکن. (۲)

هو الله سبحانه

فردریک اکسدوس

پولانیه و لیتوانیه و روسیه و پروسیه و ماساویه و سمجمتیه و کیاویه و وولینییه و پدلیه و پلداکیه و سملنسیه و سوریه و قزرنکویه^۱ و لایتلرینک اقبالو قرالی کبریاء جل و علا^۳ حضرتلرینک دوستلق و ولاء مراتبینی محتوی و صدق و صفا مراسمینه مبتنی اولن گل غنچه کتاب مشکین نقاب و شکوفه رقیمه مؤالفت انتسابلری، بیرر حین گزینده، کیم حضرت کبریاء جل و علا الطاف بی انتها و اعطاف بی حد و احصاسیله بال صفا مالکیمیز شاخ و بالیندا نشاط بلابلی نک نوای فرح فزاسی، ایشبو سلطنت گردون اعتلاء هواخواه لر ایچون آفت هوش و انبساط عنادلینک ترانه غمزداسی بو سده سنیه فلک فرسا دولتجویرینه باعث احتفاظ روح و گوش ایدی.

ارم بنیان اولن محفل اعلی و جنت نشان کوریلن بزم دلکشامزده یعقوب نورگیویس وسیله سیله خندان و عطرافشان اولمقا معانی رنگین و مضامین دلنشینی و داد اساسینا استحکام و الفت و اتحاد بناسینه تشیید مالاکلام ویرمکدن غیری، مرقوم

۱. در تقویم میلادی مصادف است از ۳۱ آگوست ۱۶۲۸ الی ۳۰ آگوست ۱۶۲۹ م.

۲. تیتیری که شاه حسین در این نامه برای خطاب به دوک ساکسون و پادشاه لهستان بکار برده، ترجمه ترکی تیتیر معمول لاتینی وی در آن دوره است.

Rex Poloniae, Magnus Dux Lithuaniae, Russiae, Prussiae, Massouiae, Samogitiae, Kiiouiae, Volhyniae, Podoliae, Podlachiae, Smolensciae, Seueriae, Liuoniae, Czerniechouiae.

این مناطق امروزه بخش‌هایی از کشورهای لهستان، آلمان، اوکراین، روسیه، بلاروس، لیتوانی، لتونی را تشکیل می‌دهد.

۳. عبارت کبریاء جل و علا با طلا نوشته شده است.





خامه موافقت و التیام اولن نامه موآلفت اختتاملرینده مسطور اولونن رسول موعودلری شرف حضور و "موفور الحبور" و احوال خیرنمودلری ادا اتدیکلری کییی، عزّ اّطّلاع ضمیر صفامآثوروما اریشدقدن صکره موآنست و موآلات لوازیمی سوائف اوقاتدن زیاده ظهورا گلدوگی مرکوز خاطر خورشیدنوروم اولوب و مذکور اولونن یعقوب، درگاه اقبال و بارگاه جاه و جلالی بوسه‌گاه ادب و آداب ایدوب، مکارم دریانوال قآنیدن کامروا و ممنون و جانب عزّت مقرونلرینه عون عضد ایله عودت ایچون شرفیاب اذن همایون اولدی.

اول قرال صاحب‌اجلال دایما حضرتلرینک شان عالیلری ارتفاعی و مرتبه و مکانلری ازدیادینه همّت بلند خاقانی تعلقون [و] و ودّ و ولاء ارکانی اشتدادی و صدق و صفا بساطی بسط و کشادینه نهمت فلک پیوند خسروانی معطوف بولدقین بیلوب مکنونات بال و مقاصد و آماللری نه اولسا، یکانه لیق اوزریندن نگارش پذیر کلک مودّت مآل ایدرلر کیم، دوستانه توّجه‌میزله شرف اندوز انجاح و انجام اوله.

عواقب امور مقتضای رضای خالق انام ایله خیر و صوابا قرین بیوریله

در وسط پشت نامه مهر شاه زده شده است. قطر مهر پنج سانتیمتر است. شکل و اندازه مهر شبیه مهر شاه صفی است. در وسط دایره بزرگ با حروف درشت نام شاه نوشته شده است "حسین، سلطان جهان، وارث ملک سلیمان ۱۱۰۷". در بالای مهر جمله حسبی الله، اللهم صلّ علی النبی و الواصی نوشته شده و در کنار مهر درون خانه‌های کوچکی نام لقب حضرت فاطمه یعنی بتول و یازده امام دیگر بصورت والبتول و الحسن و الحسین و السجّاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی.... و المهدی نوشته شده است.

(۱). ترجمه نامه ارسالی شاه صفی به پادشاه اتریش به زبان فارسی

معزالدوله و العظمه و الاقبال حضرت پادشاه تزار

عالیجناب والانساب، متعالی ایاب سلطنت و جلالت انتساب، شوکت و عظمت قباب، محبت و مودّت اطوار، خسرو رفیع قدر عالی تبار، آرینده دیار معدلت و زیننده ممالک فرمانروایی، پادشاه پادشاهان، نامدار نامدارها، پادشاه ولایت اتریش و سرور خورشیدکلاه طایفه فرنگیه

بعد از اظهار مراتب محبت و دوستی من باب اتحاد و آشنایی که خارج از قدرت زبان برای گفتن و قدرت قلم برای نوشتن است مرفوع رأی خورشید ضیاء و مشهود ضمیر منیر قمر اعتلاء حضرتعالی می باشد که همواره میان آباء و اجداد عظام و جنت مکان ما و پادشاهان مسیحی بخصوص با پادشاهی والجاه شما همواره طریقه محبت و دوستی و رابطه الفت و اتحاد مرعی و ابواب آشنایی مفتوح بوده است و همواره سفیران سخندان با نامه‌های محبت انگیز در آمد و شد بوده‌اند.

اینک که براساس مقتضای قضا و تقدیرات آسمانی واقعه حضرت پدر جنت مکان فردوس آشیان ما سانح شد و از این جهان فانی به سرای باقی شتافت، و از توقیفات الاهی سریر فلک رفعت شاهی و اورنگ گردون رتبت شهنشاهی با ذات معدلت صفت همایونی ما زیب و زینت یافت، و ساحت ایران زمین، که خلاصه‌ی عرصه‌ی عالم و تختگاه کیان و جم است با نسیم اقبال ما نزهت و طراوت یافت،

امید با مقام رفیع منزلت حضرتعالی براساس همان قاعده بلکه بیشتر طریقه محبت و دوستی و اتحاد و یگانگی شکل گرفته و از مقتضای رأفت جبلی، و از خاطر عاطر و از ضمیر منیر صداقت‌مآثرمان از شما همواره خواستاریم که با دوستان و خیرخواهان این سلسله عالیّه در مقام الفت و اتحاد بوده و مابینمان رسم خصوصیت مرعی و طریق مغایرت مسلوب گردد.

به همین منظور برای اظهار دوستی و آشنایی این نامه محبت نشان به خدمت جناب عالی حضرتعالی مرقوم شد. بحمدالله و المّنه با دعای دوستان و نیکخواهان این دودمان عالی‌شان احوال ما با خیر و خوبی می‌گذرد و به هیچ وجه مساله ای حتی کوچک که موجب اکراه خاطر اولیای دولتمان باشد وجود ندارد.

انتظارمان از آن مقام عالی مرتبه این است که طریق محبت و ارتباط مابین ما بیشتر از زمان پدر جنت مکان فردوس آشتیان ما باشد و ارتباطات ما از نامه‌های صادقانه و سفیران فصیح البیان خالی نباشد که همواره محرک دوستی و فاتح ابواب اتحاد هستند و هرگونه درخواستی در این سرزمین داشته باشند از روی اخلاص بیان کنند که حضرت همایونی ما تمام توجه خود مبنی بر تحقق آن را مبذول خواهد کرد و هیچ گاه احساس بیگانگی نکنند.

چون غرض اظهار محبت و دوستی بود بیشتر از این اطناب جایز نیست.

سلطنت و ایام کامرانی مقرون با رضای سبحانی و عاقبتان مشحون از خیر باشد.

۲). ترجمه نامه شاه سلطان حسین به فردریک آگوست نعل شکن

زبان ترکی بکار رفته در این نامه، زبان ترکی محاوره‌ای و یا ادبی رایج در آن دوره نیست. بلکه زبانی است مطمئن، مغلق، پرتکلف، پرتصنع و بعضاً نامفهوم که به مانند نامه‌های فارسی صرفاً در نامه‌نگاری با سلاطین و پادشاهان، در منشآت و مراسلات دیوانی آن دوره و برای فصاحت‌فروشی بکار می‌رفت. این گونه نثر ترکی سرشار است از جملات بسیار طولانی؛ تعبیرات تکراری، مغلق و مهجور فارسی و عربی؛ آیات و روایات و اشعار و امثال عربی و فارسی همه بدون ترجمه؛ انبوهی از القاب و عناوین و نعوت و صفات مرکب و مسلسل در حد اطناب و تطویل؛ مطابقت صفت و موصوف طبق دستور زبان فارسی و عربی و

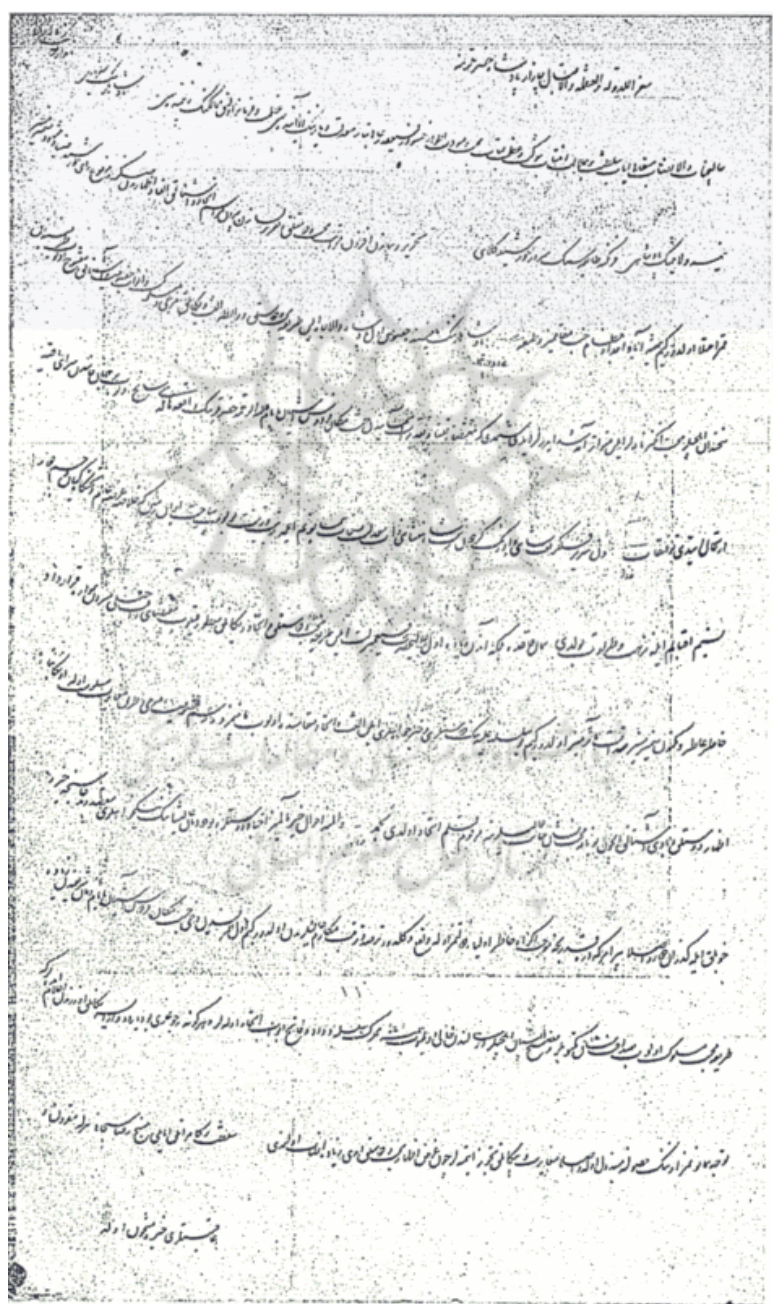
فردریک اکسدوس پادشاه باقبال پولانیّه و لیتوانیه و روسیه و پروسیه و ماساویه و سمجیتیه و کیاویه و وولینیّه و پدلیه و پلداکیه و سملنیّه و سوریا و قرزکویه،

مکتوب محتوی صدق و صفا و مراتب دوستی و ولاء آن جنابعالی و الطاف بی انتها و اعطاف بی حد و احصاء آن حضرت موجب افزونی نوای فرح فزای نشاط بلبلان گلستان خاطرمان و آفت هوشیاری برای هواخواهان سلطنت گردون ما و مایه شاد شدن ترانه‌های غمزده عندلیبان و احتیاط روح و گوش صاحب منصبان دولت ما گردید. محفل اعلی ارم‌بنیان و بزم دلگشای جنت‌نشان ما با حضور یعقوب نورگیویس خندان و عطرافشان شده و علاوه بر ابزار معانی رنگین و مضامین دلنشین که در باب دوستی و مودت و استحکام و الفت و اتحاد که در نامه موافقت و التیام بخش مسطور بود رسول موعود به شرف حضور نائل آمدند و ابراز شادی و احوال خیر نمودند. بعد از رسیدن این‌ها به عز اطلاع ضمیر باصفای ما،

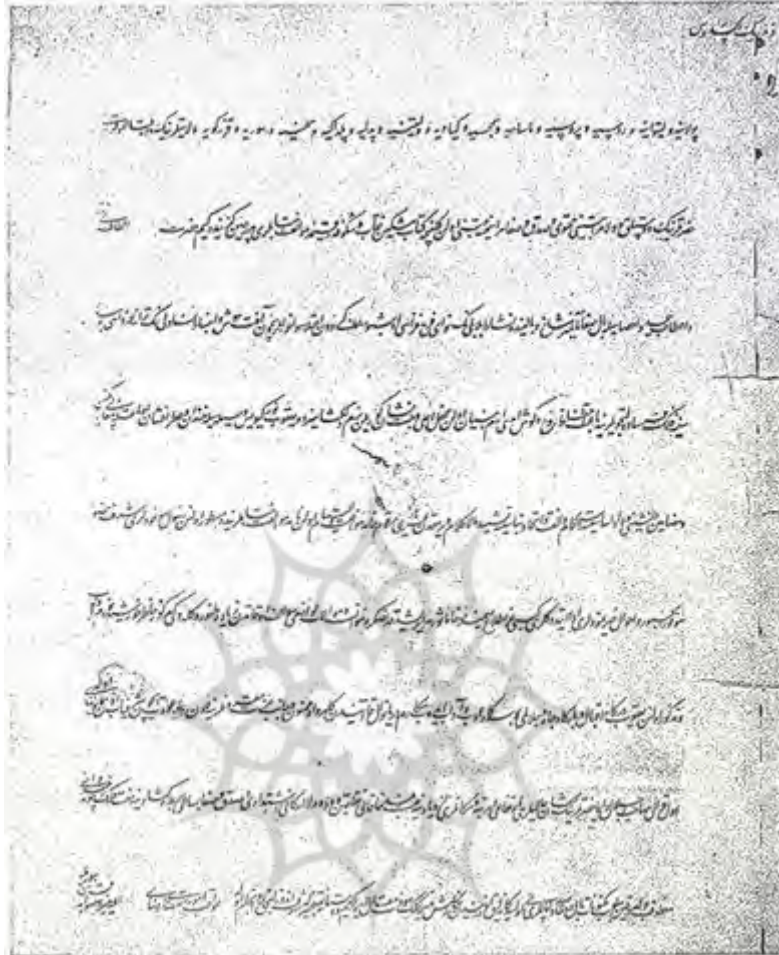


لوازم مؤانست بیشتر از قبل به ظهور آمده و مرکوز خاطر خورشیدگونه ما شده و یعقوب ایلچی درگاه اقبال و بارگاه جاه و جلال ما را بوسه‌گاه ادب و آداب کرده، از مکارم دریانوال قآنی ما کامروا و ممنون شده و بعد از آن برای بازگشت شرفیاب برای اذن رفتن گردید. آن پادشاه صاحب اجلال بدانند که همت بلند خاقانی اینجانب همواره خواهان ارتقاءشان و رتبه و مقام و مکان آن حضرت و گسترش صفا و صداقت و مستحکم‌تر شدن ارکان دوستی و محبت معطوف است. و آمال و مقاصد آن حضرت هر چه باشد از روی یکدلی مرقوم فرموده که با توجهات دوستانه ما انجام و انجاح گردد. عواقب امور ما را پروردگار جهانیان قرین به صواب فرماید.

کپی نامه شاه صفی



کپی نامه شاه سلطان حسین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مهر شاه صفی

